

شرمسار از رخ ساقی و منی رنگینم !

در جریان هفتهٔ رفته، دفتر ریاست جمهوری و مطبوعات افغانستان، تبصره‌ها و انتقادهایی را علیه اظهارات رییس شورای علمای پاکستان در ارتباط با نشست دو جانبه دربارهٔ گروه طالبان به راه انداختند.

دلایل آنهمه سر و صداها این بود که باساس فیصلهٔ کنفرانس لندن، باید علمای دینی هر دو کشور (افغانستان و پاکستان) به زودی نشستی را در کابل انجام داده و طی آن، خشونت‌ها، خونریزی‌ها و اعمال انتحاری را با استدلال‌های دینی محکوم میکردند تا باساس آن، گروه طالبان دست از قتل و کشتار مردمان بیگناه سر زمین مان بردارند.

البته قبل از آن، "شورای عالی صلح" افغانستان به شمول حامد کرزی، به تکرار و بدون درک و در نظر داشت اصل ماهیت تشکلات مذهبی و وابسته گیهای علمای مذهبی پاکستان به شبکهٔ استخبارات نظامی پاکستان، سفرها، تماسها و اظهارات خوشبینانه‌ی مبنی و وعیدهای جانب پاکستان ابراز نموده بودند. اما، برخلاف آنهمه خوشبینی‌ها و خوشخدمتی‌های جانب دولت کرزی و فقط چند روز قبل از

تدویرچنین کنفرانسی، " علامه طاهر اشرفی " رییس شورای علمای پاکستان، با اظهارات طالب دوستانه غیردینی و غیر اسلامی اش، آب سردی بالای دست " شورای صلح " افغانستان و رییس جمهور آن کشور ریخت.

" علامه " طاهر، این به اصطلاح عالم دینی پاکستان گفت : " ما نمیتوانیم علیه طالبان فتوا دهیم... " ، " ما نمیتوانیم بپذیریم که عروسک خیمه شب بازی رییس جمهور کرزی در کابل باشیم ... " ، و بالاخره او گفت : " تا زمانی که ملا عمر از ما دعوت بعمل نیارد، ما بکابل نخواهیم رفت "

حافظ بزرگ چه خوش فرمود :

دولت از مرغ همایون طلب وسایه او زانکه با زاغ و زغن شهردولت نبود
ما از مدتهاست پیوسته میگوییم و تکرار میکنیم که شعبده بازان سازمان
استخبارات نظامی پاکستان ظرف سالهای اخیر، نه تنها در تار و پود
هستی ملی ما افغانها، بلکه در درون اکثریت ملا و مفتی و " عالم " و
روحانی و همچنان حزب و جمعیت سیاسی و مذهبی پاکستان نیز چنگ
انداخته است .

این شعبده بازان پاکستانی ، از شدت مصیبتها و خونابه جان ملیونها انسان افغانستان توانستند دم و دستگاه جاسوسی ارتش آن کشور را چنان سر و سامان دهند و چنان آنرا توسعه داده و تقویت نمایند که چون مار کبرا افسون کننده و زهر دار و کشنده شود . چنانکه احزاب مثلاً " جماعت اسلامی پاکستان " ، " جمعیت علمای پاکستان " ، " سپاه صحابه " ، " لشکر طیبه " ، شبکه تروریستی حقانی ، گروه طالبان ، گروه " جهنگوی " ، " جیش محمد " و صدها نهاد سیاسی - نظامی - مذهبی دیگر به شمول رهبران آنها را در داخل خاک پاکستان افسون نموده و حتا تعدادی از افراد و تشکلات سیاسی - مذهبی در چارچوب جغرافیای افغانستان را نیز در دام فسون و فسانه خویش در آورده است . حال ، با سخنان " طاهر اشرفی " ، یکبار دیگر ثابت شد که " شورای علمای پاکستان " نیز تنگ در حصار برنامه های ستراتیژیک حکومت مداران پاکستان گیر افتاده است . . .

اظهارات طالب پرستانه " علامه " طاهر و سایر به اصطلاح علمای پاکستان و کرسی نشینان حکومتی آن کشور برای ما تعجبی ندارد ، زیرا ما از قبل به ماهیت پلید و خصم آلود آنها کاملاً پی برده ایم ؛ اما جای تأثر و تأسف این است که رییس جمهور افغانستان ، با آنکه همه چیز را میداند ، باز هم خودش را به تغافل و تجاهل زده ، در برابر پاکستانی ها

هی کرنش میکند و تضرع بخرچ میدهد، بدون آنکه لحظه‌یی آبرو، عزت ، غرور و خواست اصلی و باطنی ملت افغانستان را رعایت نموده باشد.

بهمین دلیل روشن است که مردم ما دیگر نه بالای رییس جمهورشان اعتماد دارند و نه او را حلال مشکلات خویش می‌انگارند.

همانطور که همیشه گفته ایم ، بازهم تکرار میکنیم که آنچه آشکار و مسلم است اینست که حکومت مداران تروریست پرور پاکستانی به هیچوجه نه خودشان میخواهند صلح و آرامش در افغانستان عزیز ما برقرار باشد و نه دست پروردگان افغانی و پاکستانی شان را اجازه خواهند داد در این زمینه گامی به پیش گذارند. هرچند ما را اعتقاد بر اینست که طرح مذاکره ، آنهم با اینهمه رسوایی و نا مردمانه ، مایهٔ رنج فراوان ملت عذاب کشیدهٔ افغانستان است . زیرا رهبران و سر کرده گان گروه طالبان بخاطر ارتکاب هزاران نوع جنایت ضد افغانی و ضد انسانی شان ظرف سالهای اخیر ، باید با سایر جنایتکاران شناخته شده ، چه امروز و چه فردا به پای میز محاکمه و تطبیق عدالت کشانیده شوند. بنابراین، اگر با این جنایتکاران بجای برخورد قضایی ، مذاکره صورت گرفته و آنان باساس پلان های پشت پردهٔ قدرتمندان جهان، مجدداً به حاکمیت سیاسی رسا نیده میشوند، بالذات در حکم خیانتی است ملی و تاریخی .

به اعتقاد ما، آنچه میتواند پاسخ گوی آنهمه ناجوانمردی ها و جفاکاریها و جنایات جانب پاکستان تلقی شود، همانا نشان دادن متانت ، قاطعیت ، افشاگری ، بسیج ملی و حتا واکنشهای عبرتناک سیاسی، نظامی، تخریبی و تنبیهی گونه گون است که عاقبت ، جانب مقابل را متوجه اعمال دشمنانه و بی خردانه اش خواهد ساخت . چیزی که مردم ما خواهان آن و حامد کرزی فاقد آن است .

پس، بار دیگر باید گفت که صلح و آشتی با دشمن سو گند خورده تا به دندان مسلح نه از طریق توسل به تضرع بدست می آید و نه بخایش چنین قاتلان و جنایتکاران حرفه یی ، کاریست خردمندانه و قابل پذیرش مردم.

خاک بر سر کرد عشق و پای در گل ماند حسن

گر بهار این رنگ دارد، حیف قمری، وای سرو.

(پایان)